

## یادداشتی بر ارزیابیها: علی اصغر حاج سید جوادی

فرمانروایی و فرمانروا

پسرِ خدا

واپسین فرمانروای ایران که آشکارا و برابرِ آیینِ پسر خدا خوانده شد فتحعلیشاه قاجار بود که پادنام (لقب) وی چنین بود، خاقانِ فَعْفُورٍ: فَع = بَغ یعنی خدا و پور که همان پسر باشد. با این همه باید یادآور شد که چنین پنداره ای بسی کهنتر از روزگار قاجار است که شاهنشهان ساسانی خود را ایزدی در میان آدمیان می خواندند (خسرو پرویز)، و می گفتند چَهْر (نژاد) از ایزدان دارند (شاپور یکم). یا خشکسالی و نایابیِ روزگار شاهی پیروز را از آن دانستند که شاه از راهِ دین به دَر شده، خویشکاری (انجام وظیفهء دینی) نمی کند. هر چند سندی از روزگار هخامنشی در دست نیست که نشان از بودن چنین باوری در میان مردم ایران به دست دهد به روشنی می دانیم که شاه هخامنشی در هر زمینه و از هر باره از همگان سرآمد انگاشته و پنداشته می شد.\*

شاهان صفوی مُرشدِ کامل خوانده می شدند که یعنی انسانی که هیچ کارش نادرست نیست، نسخه برگردان خدا. می توان گمان برد که چنین دیدی کم و بیش همچنان برجاست. مردی روحانی از رهبر انقلاب آشکارا درخواست می کرد؛ خودت را آشکار کن، تو شایسته حکومت بر کائناتی.\*\*

\*هنگام شکار، شیری به سوی شاه هخامنشی تاخت و نزدیک بود شاه را بکشد که یکی از همراهان شیر را کشت و شاه را از کشته شدن به پنجهء شیر شَرزه رهاوند. دیرتر آن مرد را کشتند تا گمانی درباره برتر و آبرگر (Superior Being) بودن شاه سر نگیرد.

\*\*آیت الله خمینی وی را سرزنش کرده از بیش گفتن بازش داشت.